

سهامداران در حفظ منافع خودشان چه نقشی دارند؟

برای حفظ منافع صاحبان سهام از به کارگیری ابزارها و اعمال کنترلهای لازم نمی توان اجتناب کرد.

حسین یاراحمدی

فوق لیسانس حسابداری از دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرکز



آگاهی آنان از وظایف، شرایط، مسئولیتها و نحوه استفاده از خدمات بازرسان و حسابرسان است. چراکه وظیفه اصلی آنان حفظ حقوق صاحبان سهام است، و هر دو گروه سرانجام از طرف مجامع عمومی

پس از جدایی مالکیت از مدیریت، موضوع مهم و قابل تامل مطرح شده، حفظ حقوق صاحبان سهام (مالکان) بوده است. به کارگیری ابزارها و اعمال کنترلهای لازم در خصوص حفظ منافع آن دسته از

سرمایه‌گذاران (صاحبان سهام) اجتناب‌ناپذیر است. از جمله این ابزارها، استفاده از حسابرسان مستقل می‌باشد، که در حال حاضر اکثر کشورهای دنیا از آنها استفاده می‌نمایند (البته خدمات حسابرسان، متعلق به کل جامعه است). در کشور ما ایران علاوه بر حسابرسان، استفاده از بازرسان قانونی نیز برای شرکتهای سهامی الزامی است. در متن قانون تجارت اصلاحیه سال ۱۳۴۷ این موضوع بیان شده است. بنابراین استفاده از بازرسان که یک ابزار کاملتر و جامعتری است، وظیفه‌ای

قانونی برای شرکتهای سهامی به‌شمار می‌رود. با توجه به مفاد ماده ۱۴۸ ق ت، بازرسان قانونی باید از رعایت حقوق صاحبان سهام در حدود قانون و اساسنامه اطمینان حاصل نمایند.

در این مقاله سعی شده است تاثیر آگاهی عمومی صاحبان سهام بر عملکرد و کارایی بازرسان قانونی و حسابرسان بررسی شود، و ابتدا معایب و مشکلات ناشی از ناآگاهی عمومی آنان شناسایی شود و سپس پیشنهادهای جهت رفع آنها بیان گردد. منظور از آگاهی عمومی صاحبان سهام، سطح

تعیین می‌شوند، و منظور از کارایی و عملکرد بازرسان و حسابرسان، ابتدا کیفیت خدمات ارائه شده توسط آنان و سپس استفاده بهینه از خدمات پیشگفته است. بنابراین هم کیفیت و هم نحوه استفاده از خدمات آنان مدنظر است. با توجه به قدرت انتخاب و تصمیمگیری سهامداران، می‌توان گفت که آنان عاملی بسیار موثر در موضوع یاد شده می‌باشند (حتی سهامداران اقلیت)، اما با توجه به شرایط فعلی کشورمان، مشاهده می‌شود که صاحبان سهام از آگاهی مطلوبی برخوردار نیستند و

نقش کمتری در عملکرد و کارایی ابزارهای در دست خود دارند که آثار منفی آن به صورت‌های زیر می‌باشد.

عدم آگاهی مطلوب =
عدم انتخاب مناسب
براساس مفاد ماده
۱۴۴ اصلاحیه قانون
تجارت - مجمع
عمومی عادی در هر
سال یک یا چند بازرس
انتخاب می‌کند تا
برطبق این قانون به
وظایف خود عمل

نمایند... مجمع عمومی در هر موقع می‌تواند بازرس یا بازرسان را عزل کند...
عزل و نصب بازرسان باید از طرف سهامداران صورت گیرد. البته قانون برای بازرسان، شرایطی اعلام نموده (ماده ۱۴۷) که این شرایط عمدتاً داشتن استقلال از مدیران و یک سری شرایط از قبیل عدم مهجوریت، ورشکستگی و ... می‌باشد. بنابراین قانونگذار به هیچ وجه شرط داشتن تخصص و یا تجربه‌ای را جهت بازرسان بیان ننموده است، اما لازمه انجام دادن وظایف بازرسی قانونی مندرج در آن قانون، داشتن تخصصهای لازم است.

در صورت نداشتن آگاهی سهامداران از وظایف خود و نیز نداشتن آگاهی از تخصصهای مورد نیاز، باعث می‌شود که آنان نتوانند انتخاب مناسب و مطلوبی داشته باشند، و این موضوع باعث خواهد شد تا بازرسان منتخب سهامداران، توانایی انجام وظایف خود را به صورت مطلوب نداشته باشند (البته این موضوع شامل شرکتهایی که ملزم به انتخاب بازرسان قانونی معرفی شده از جانب مراجع قانونی هستند، نخواهد شد).

عدم آگاهی = عدم استفاده بهینه

اگر شخصی از نحوه کار، هدفها و مزایای شغل، حرفه و یا حتی وسیله‌ای که در اختیار اوست، بی‌اطلاع یا کم اطلاع باشد، یقیناً توان استفاده مطلوب و بهینه از آنرا نیز نخواهد داشت. در نظر بگیرید که یک دستگاه کامپیوتر از نوع بسیار پیشرفته آن را در اختیار فردی قرار دهیم که از برنامه‌های کامپیوتری و یا حتی از زبان ارتباط برقرار کردن با آن بی‌اطلاع یا کم

اطلاع باشد. در آن صورت یا این وسیله بسیار کارا و موثر، کاملاً بی‌استفاده می‌ماند و یا ظرفیتهای بدون استفاده فراوان خواهد داشت. در حالی که همین وسیله برای برخی از متخصصان، از لوازم زندگی شخصی نیز ضروریتر است. بنابراین اگر بهترین بازرس قانونی انتخاب شود و این شخص وظایف خود را نیز به نحو مطلوبی انجام دهد، اما سهامداران آگاهی استفاده بهینه و مطلوب از خدمات وی را نداشته باشند باعث می‌شود که هدفهای قانونگذار و بازرسان قانونی به صورت مطلوب تحقق نیابد.

تاثیر عدم آگاهی عمومی صاحبان سهام بر کیفیت اجرای وظایف بازرسان حسابرسان

کلیه اشخاص در حالت عمومی می‌توانند با داشتن انگیزه‌های زیر، وظایف و مسئولیتهای خود را به نحو مطلوب انجام دهند.

● وجود انگیزه‌ها و تشویقهای معنوی و

مادی؛

● وجود انگیزه نگرانی از تنبیه و مجازات. البته اشخاصی هستند که با داشتن وجدان کاری بسیار زیاد، در صورت نداشتن انگیزه‌های کافی نیز، وظایف و مسئولیتهای خود را به نحو مطلوب انجام دهند. اما باید این واقعیت را پذیرفت که اکثر افراد جامعه به داشتن انگیزه جهت کار و فعالیت نیاز دارند. از تعالیم الهی در کتاب قرآن مجید نیز این نتیجه گرفته می‌شود. خداوند باری تعالی انسانها را به ایجاد انگیزه، تشویق و تنبیه به صورت توأم، توصیه کرده است. بازرسان قانونی و حسابرسان نیز مانند تمام اشخاص جامعه به داشتن انگیزه‌های یاد شده نیاز دارند و کم شدن این انگیزه‌ها با افت کاری و بازده نامتناسب آنان همراه است.

بنابراین ارتباط عدم آگاهی عمومی صاحبان سهام با انگیزه‌های فوق به صورت زیر بررسی می‌شود.

انگیزه‌های معنوی - برخی از حرفه‌ها و مشاغل منافع مادی زیادی ندارند. به دیگر سخن انگیزه‌های مادی کافی در آنان وجود ندارد؛ ولی مشاهده می‌شود که تعداد زیادی از شاغلان در آن حرفه‌ها، از کارایی و بازده بسیار بالا و مطلوبی برخوردارند. به عنوان مثال معلمان و استادان اگرچه انگیزه‌های مادی لازم و متناسب با شغلشان (در شرایط کنونی) ندارند، اما مشاهده می‌شود که اکثر آنان واقعاً از جان خود مایه می‌گذارند.

علت چیست؟ چه انگیزه‌ای برای آنها وجود دارد؟

انگیزه‌های معنوی، یکی از علل بسیار موثر در انجام فعالیت‌های اشخاص است. یکی از بزرگترین پادشاهای معنوی این است

نقش موثر آگاهی عمومی صاحبان سهام در استفاده از خدمات بازرسان و حسابرسان و درک اهمیت این مشاغل در نحوه انجام وظیفه بازرسان و حسابرسان کاملاً مشهود است.

که شخص درک کند که فعالیت او دارای اهمیت است، یعنی کاری که انجام می‌دهد، موثر و مفید می‌باشد و کوتاهی ورزیدن در آن، آثار بسیار نامطلوبی خواهد داشت. به‌عنوان مثال، هنگامی که یک پزشک بداند که انجام وظیفه او می‌تواند جان یک شخص را نجات دهد، این خود انگیزه‌های بسیار قوی جهت انجام وظیفه، در او ایجاد می‌نماید.

بازرسان قانونی و حساب‌برسان نیز از این قاعده مستثنی نیستند. اگر آنان بدانند که

با توجه به وجود وجدان ذاتی در اشخاص که خوشبختانه کشور ما از این بابت نسبتاً غنی است، وجود انگیزه‌های معنوی از سایر انگیزه‌ها قویتر و موثرتر است.

فعالیشان موثر و دارای اهمیت است در نتیجه انگیزه‌های معنوی لازم در آنان ایجاد می‌گردد. با توجه به وجود وجدان ذاتی در اشخاص که خوشبختانه کشور ما از این بابت نسبتاً غنی است، وجود انگیزه‌های معنوی از سایر انگیزه‌ها قویتر و موثرتر است. هنگامی که بازرسان (یا حساب‌برسان) بدانند که انجام فعالیت آنها باعث حفظ حقوق صاحبان سهام می‌شود (خصوصاً سهامداران اقلیت)، افزایش اطمینان خاطر در سرمایه‌گذاران در سطح جامعه را در پی دارد و در نتیجه عاملی بسیار موثر در جهت افزایش سرمایه‌گذاری و توسعه اقتصادی کشور خواهد بود. شاید انگیزه‌های بسیار قویتر از آن پزشک در آنها ایجاد گردد. چراکه این موضوع فراتر از جان یک شخص و مربوط به کل اقتصاد کشور است. انگیزه ایجاد کشوری توسعه یافته برای خود و فرزندانمان و علاوه بر آن وجود عرق ملی در هر ایرانی که خواهان پیشرفت و سربلندی کشورش هست در بالا بردن انگیزه‌های کاری بسیار موثر است.

حال اگر این ذهنیت در بازرسان یا حساب‌برسان شکل گیرد که به‌رغم انجام

وظیفه، از خود گذشتگی، داشتن تعصب کاری و تلاش دلسوزانه، استفاده‌های لازم از خدمات آنان صورت نمی‌گیرد و اهمیت آن مورد توجه نیست، انگیزه‌های معنوی در آنان به تدریج کم می‌شود. در چنین شرایطی، تعصب کاری، علاقه و شوق به کار، جای خود را به دلسردی و بی‌تفاوتی می‌دهد. فاجعه هنگامی رخ می‌دهد که این گونه مشاغل کلیدی و پراهمیت چه برای شاغلان آنها و چه برای استفاده‌کنندگان از

خدمات آنان، تنها به لحاظ رعایت ظواهر قانون و اجبار قانونی انجام گیرد و در شکل حاد آن، حالت صوری و تشریفاتی پیدا کند. بنابراین نقش موثر آگاهی عمومی صاحبان سهام در استفاده از خدمات بازرسان و حساب‌برسان و درک اهمیت این مشاغل در نحوه انجام وظیفه بازرسان و حساب‌برسان کاملاً مشهود است. انگیزه‌های مادی- با استناد به ماده ۱۵۵ ق ت تعیین حق‌الزحمه بازرسان با مجمع عمومی عادی است^۱ مشاهده می‌شود که انگیزه‌های مادی

جهت بازرسان نیز باید توسط سهامداران ایجاد گردد. در صورت عدم آگاهی کافی سهامداران، مزایای خدمات بازرسان (یا حساب‌برسان) آنچنان که شایسته است مشخص نمی‌باشد. بنابراین هنگام تعیین

حق‌الزحمه آنان توسط مجامع عمومی سهامداران، حق‌الزحمه‌های متناسب با وظایف بازرسان (یا حساب‌برسان) در نظر گرفته نخواهد شد. در این صورت می‌توان گفت که انگیزه‌های مادی لازم، جهت آنان نیز، به صورت مطلوب ایجاد نمی‌شود.

انگیزه نگرانی از تنبیه و مجازات- امکان وجود افراد خطاکار در هر شغل و حرفه‌ای هست. تدوین مقررات جزایی، علاوه بر شناسایی و مجازات این‌گونه اشخاص، باعث ایجاد انگیزه نگرانی از تنبیه و مجازات در سایر اشخاص می‌شود. این عامل باعث می‌شود که افراد جامعه در انجام وظایف قانونی خود دقیقتر عمل نمایند. بنابراین در کنار انگیزه‌های تشویقی، انگیزه‌های نگرانی از تنبیه و مجازات نیز باید وجود داشته باشد. اهمیت این موضوع، از دستورات و مفاهیم الهی نیز کاملاً مشهود است. خداوند در قرآن کریم،

در بسیاری از موارد، بلافاصله پس از بیان خصوصیات فردوس و تشویق مومنان برای رسیدن به آن، مجازات‌های پیشبینی شده جهت عصیانگران را بیان کرده است تا این دو موضوع (بهشت و جهنم) همواره در کنار یکدیگر بیان شود.

در متن قانون تجارت نیز مقررات جزایی مختلفی جهت اشخاص وضع شده است که برخی از آن

مقررات، در خصوص بازرسان قانونی است. به‌عنوان مثال پاره‌ای از مقررات جزئی به شرح زیر بیان شده است:

ماده ۱۵۴- مسئولیت مدنی در ارتباط با جبران خسارات وارده به اشخاص ثالث و

اگر این ذهنیت در بازرسان یا حساب‌برسان شکل گیرد که به‌رغم انجام وظیفه، از خود گذشتگی، داشتن تعصب کاری و تلاش دلسوزانه، استفاده‌های لازم از خدمات آنان صورت نمی‌گیرد و اهمیت آن مورد توجه نیست، انگیزه‌های معنوی در آنان به تدریج کم می‌شود.

توجه لازم به قانون و رعایت نمودن آن یکی از روشهای بسیار موثر است که صد البته تنها دولت و بخش عمومی است که می تواند در این زمینه فعالیت نماید.

ب- ایجاد مراکز و شرکتهای مشاوره‌ای جهت صاحبان سهام برای ارائه خدمات مشاوره‌ای در خصوص نحوه انتخاب، تفسیر و استفاده از گزارشهای بازارسان و حسابرسان، پیگیریهای لازم در خصوص اشخاص خاطی در شرکت (مدیران، بازارسان و حسابرسان) و از همه مهمتر مطلع ساختن صاحبان سهام از قدرت و اختیاراتشان. گفتنی است که در شرایط کنونی، شرکتهای خصوصی تمایلی به سرمایه‌گذاری در این‌گونه شرکتهای مشاوره‌ای ندارند، زیرا رونق گرفتن و سوددهی آنان مستلزم صرف هزینه‌های زیاد آموزشی و تبلیغاتی جهت عموم افراد جامعه است. به عبارت دیگر، در میانمدت و یا حتی بلندمدت است که عموم سرمایه‌گذاران از اهمیت آن واقف می‌شوند. بنابراین این گره نیز تنها به دست دولت باز می‌شود. با در نظر گرفتن بودجه‌ای ناچیز از جانب دولت و حمایت از شرکتهای خصوصی که در این مسیر قصد فعالیت دارند، می‌توان موضوع استفاده از خدمات مشاوره‌ای را در سطح وسیع اشاعه داد.

ج- برای تشویق و ترغیب صاحبان سهام و سرمایه‌گذاران (بالفعل و بالقوه)، اختلافات و شکایات در این خصوص، سریعاً از سوی مراجع ذیصلاح قضایی یا حرفه‌ای پیگیری گردد. به عبارت دیگر این بخش از محاکم قضایی یا حرفه‌ای فعالت‌تر شود.

البته مسائل دیگری چون اصلاح قانون تجارت براساس شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و ... روز کشور نیز وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد.

جزایی تنها به شکل کتبی آن نیست. حال اگر سهامداران شرکت، آگاهیهای لازم را نداشته و یا از خدمات مشاوره‌ای نیز استفاده لازم را نبرند علاوه بر عدم شناسایی بازارسان خاطی و مجازات آنان، انگیزه نگرانی از مجازات نیز در سایر بازارسان ایجاد نمی‌شود.

پیشنهادها
برای رفع این‌گونه مشکلات و نارساییهای جامعه اقتصادی باید چاره‌ای اندیشید. چرا که در صورت تکرار و تداوم آن، متأسفانه اندک‌اندک این‌گونه معضلات و مشکلات به یک عرف غلط اجتماعی تبدیل می‌شوند، یا حداقل دیگر اشخاص به این وضعیت نامطلوب عادت کرده، میل کمتری برای از بین بردن آن ایجاد می‌گردد. گرچه در این مقاله نارساییهای ناشی از عدم آگاهی عمومی صاحبان سهام بیان گردیده، اما با توجه به پیشنهادات ارائه شده، مشاهده می‌شود که مقصر اصلی آنها نیستند، و باید این مشکل به صورت ریشه‌ای حل گردد:

الف - با توجه به این موضوع که وظایف، شرایط، مسئولیتها، نحوه انتخاب و ... بازارسان قانونی (و گهگاه حسابرسان) کلاً در چارچوب قانون بیان شده است بنابراین میزان توجه به قانون در افراد جامعه و رعایت مطلوب قانون توسط خود افراد با انگیزه‌های فردی و نه به دلیل وجود ابزارهای کنترلی، عاملی است بسیار موثر در رفع مشکلات فوق. اقدامات فرهنگی و آموزشهای لازم از طریق رسانه‌های گروهی با هدف ایجاد انگیزه‌های فردی در خصوص

در شرایط کنونی شرکتهای خصوصی تمایلی به سرمایه‌گذاری شرکتهای مشاوره‌ای ندارند زیرا رونق گرفتن و سوددهی آنان مستلزم صرف هزینه‌های زیاد آموزشی و تبلیغاتی جهت عموم افراد جامعه است.

شرکت در قبال تخلفات انجام وظایف خود.

ماده ۲۶۶- حبس جنبه‌ای از دو ماه تا شش ماه یا جزای نقدی از بیست هزار تا یکصد هزارریال یا هر دو برای بازارسانی که با وجود منع قانونی، عالماً و ستم بازرسی را در شرکتهای سهامی پذیرفته باشند.

ماده ۱۶۷- حبس

جنبه‌ای از سه ماه تا دو سال در قبال ارائه اطلاعات خلاف حقیقت (به صورت عالمانه). در گزارش خود، راجع به اوضاع شرکت به مجمع عمومی.

با استناد به ماده ۱۵۱ اصلاحیه قانون تجارت و بند ۳ ماده ۲۸ قانون مجازاتهای عمومی، شناخته شدن بازارسان قانونی به‌عنوان معاونان جرم در قبال آگاه نکردن مجمع عمومی نسبت به جرایم انجام شده توسط هیئت مدیره.

صرف نظر از وجود برخی نقاط ضعف در قانون تجارت (خصوصاً جزاهای نقدی) تاثیر آگاهی سهامداران را در این مورد بررسی می‌کنیم.

بیشترین خسارات وارد شده ناشی از هرگونه تخلف یا تقصیری در انجام وظیفه از ناحیه بازارسان، متوجه سهامداران شرکت می‌باشد. به عبارت دیگر، بیشترین مسئولیت بازارسان، در قبال سهامداران است. بنابراین تشخیص تخلفات و پیگیریهای قانونی لازم نیز باید توسط سهامداران صورت گیرد.

در نتیجه سهامداران باید علاوه بر کنترل بازارسان، توانایی تشخیص بازارسان خاطی را داشته باشند و پیگیریهای قانونی لازم جهت مجازات آنان را نیز انجام دهند. فقط در این صورت می‌توان ادعا کرد که مقررات